

OCTOBER

۹۷

اکتبر

دبیر کمیته کردستان: حسین مراد بیگی

۲۸ ژوئن ۲۰۰۶

۷ تیر ۱۳۸۵

سر دبیر: حسین مراد بیگی

روز پنجشنبه ۲۲ ژوئن طی مراسم باشکوهی مردم مبارز سقز و شهرهای دیگر همراه خانواده و بستگان صلاح او را بدرقه کردند. بعد از انتظاری طولانی بالاخره خانواده و بستگان صلاح همراه با صدها نفر از مردم مبارز سقز و سقز و... که در اعتراض به امتناع رژیم از تحویل جنازه او در مقابل بیمارستان بعثت سقز تجمع کرده بودند، روز ۲۲ ژوئن موفق شدند جنازه صلاح را تحویل و از سقز به سقز انتقال بدهند. در این روز بیش از هزار نفر در مراسم بدرقه صلاح شرکت کردند و هزاران نفر که موفق به شرکت در مراسم نشده بودند، در این چند روز دسته دسته به خانواده و بستگان او سر زده و اظهار همدردی کردند و این موج همچنان ادامه دارد. در مراسم بدرقه صلاح محمدی بسیاری از شخصیت‌های محبوب و معروف از شهرهای مختلف از

اطلاعیه شماره ۸۰: مراسم باشکوه گرامیداشت یاد صلاح محمدی در سقز!

قلب صلاح محمدی چهره محبوب و مبارز مردم سقز روز ۲۰ ژوئن ۲۰۰۶ برای همیشه از تپش افتاد. با این ماجرا که در تصادفی مشکوک اتفاق افتاد، کارگران سقز یکی از فعالین جدی و دلسوز خود را از دست دادند. تشکل سراسری کارگران علیه بیکاری و کانون کودکان و جامعه حمایت از زنان یکی از چهرهای محبوب خود را از دست دادند. در این چند روز هزاران نفر از کارگران و مردم از شهرهای تهران، سقز، تهران، بوکان، کامیاران، سمنان، پیرانشهر، مهاباد، نقده، بانه، دیواندره، کرمانشاه، سردهشت و... برای گرامیداشت یاد صلاح به سقز آمدند.

رفتند. داستان چیست؟ دولت آمریکا چه منافعی و چه اهدافی را از این کار تعقیب میکند؟ حزب دمکرات و سازمان زحمتکشان و دیگر جریانات قومی نیز چه هدفی را تعقیب میکنند؟

حسین مرادیگی:

واضح است دولت آمریکا دنبال سیاست همیشگی خود یعنی حفظ منافع خود در منطقه است و در این راه هم سر مردم منطقه چه بلایی میاید برآش مهم نیست. برای این کار هم هر وقت که مصلحت این دولت ایجاب کند از مهره هائی استفاده خواهد کرد که او را در حفظ منافع خود در ایران و در منطقه کمک کنند. در بورس رفتن جریانات قومی و فدرالیسم قومی برای دولت آمریکا بیشتر به تحولات این دوره برمیگردد. بعد از ضعف دولت آمریکا در عراق در مقابل جمهوری اسلامی، دولت آمریکا به تقویت دار

پیرامون سفر اخیر نمایندگان جریانات قومی و فدرالیستی به واشنگتن،

مصاحبه با حسین مرادیگی (حمه سور)



اکتبر:

حسین مرادیگی "حمه سور" اخیراً "مصطفی هجری و عبدالله مهدی از طرف حزب دموکرات کردستان ایران و سازمان زحمتکشان همراه جریانات قوم پرست دیگر تحت عنوان "نمایندگان ملیتهای تحت ستم" به واشنگتن

نگاهی به "انتقادات" حسن ایوب زاده از موضع ناسیونالیستی خود به سازمان زحمتکشان و انتظارات او از این داروخته، نکات جالبی را هم در رابطه با فلسفه سربرآوردن قوم پرستی و سازمانهای قومی و هم در باره ماهیت ناسیونالیسم برجسته میکند. ایوب زاده از سازمان زحمتکشان انتقاد کرده است چرا در ماجرای تبریز به عنوان یک سازمان "کردی" پیام همبستگی داده است و چرا در پس این پیام خود را به عنوان رهبر جناح رادیکال جنبش کردایه تی جا زده است. هر نو این ملاحظه ایوب زاده، مستقل از توهمات که او در باره ماهیت سازمان زحمتکشان و تاریخ سرهم بندی شدن آن دارد، درست اند.

انتقاداتی بجا، انتظاراتی نا بجا

در حاشیه انتقاد ایوب زاده به سازمان زحمتکشان



ایرج فرزاد

ادامه در ص ۴

جمعیت از کارگران دست به اعتصاب زدند. کارگران فوری مجمع عمومی فوق العاده تشکیل داده و نمایندگان خود را انتخاب کرده و بنیال اعتصاب عمومی را در کارخانه اعلام کردند.

مدیر کارخانه که کسی به اسم امیر اسفندیاری است در جمع کارگران حاضر میشود و به تهدید کارگران میپردازد. امیر اسفندیاری خطاب به یکی از نمایندگان کارگران به اسم بهزاد سهرابی با بیانات رکیک و

ادامه در صفحه ۴

اطلاعیه کمیته سقز حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

اعتصاب کارگران کارخانه ریسندگی پریس موفق شد!

روز پنجشنبه اول تیر ۱۳۸۵ کارگران کارخانه ریسندگی پریس سقز در اعتراض به تصمیم مدیریت این مرکز تولیدی مبنی بر موظف کردن کارگران به امضای قرار داد یک ماهه و تهدید به اخراج

از ادی، برابری، حکومت کارگری!



انجمنهای مختلف و تشکلهای کارگری و مردمی و مدافعان حقوق انسان به سقز رفته و در این مناسبت شرکت کردند. مراسم بدرقه صلاح محمدی با یک دقیقه سکوت به احترام او و به یاد تمام جانبختگان مدافع حقوق انسان شروع شد. وجهیه رسولی همسر صلاح در سخنرانی کوتاه خود ضمن تجلیل از همسر و عزیز زندگی خود، از شرکت کنندگان و تمام کسانی که در این روزهای سخت با آنان بوده اند قدر دانی میکند. سخنرانان دیگر این مراسم محمود صالحی فعال کارگری، محمد فتوحی سرا دبیر تشکل سراسری کارگران علیه بیکاری، خالد حسینی عضو هیئت موسس این تشکل و صلاح احمدی از فعالین این تشکل در بوکان بوده اند. چند تاج گل برای گرامیداشت صلاح محمدی بر مقبر او گذاشته میشود و یاران و رفقا و بستگان همراه با صدها نفر از مردم سقز و شهرهای دیگر یادش را گرامی

میدارند. همچنانکه گفتیم هنوز دسته دسته مردم سقز و شهرهای مختلف به دیدار خانواده صلاح محمدی میروند. تاکنون صدها نامه و یادداشت و پیام از دهها کشور جهان به مناسبت مرگ صلاح برای رفیق محمد محمدی برادر صلاح ارسال شده است. این چند روز و به مناسبت گرامیداشت یک کارگر مبارز و برابری طلب، در جمعها و محافل مختلف از تهران تا سقز مردمی که او را میشناختند حول مبارزات او، تلاشهای انسانی صلاح در دفاع از حقوق کارگران و در دفاع از کودکان و زنان، گرم بوده است. در شرایطی که جریانات فاشیستی در باد قومگرایی میزنند، کارگران و مردم از شهرهای مختلف و به زبانهای مختلف در مورد آزادی و برابری و خطرات مبارزات آزادیخواهانه و تلاش بشریت برای آزادی و رهایی گفتند و با هم مشورت کردند. مناسبت مرگ صلاح و

جمعهها و نشستها و تجمعات این چند روز بحثی از قومیت و ملیت در میان نبود. همه جا حقوق کارگر، مبارزه و اعتراض کارگری، حقوق کودکان و علیه آپارتاید جنسی و دفاع از حقوق انسان و اهمیت رهایی انسان از یوغ برنگی بدون در نظر گرفتن مذهب و رنگ و نژاد و زبان مورد بحث بود. کارگران راه و ترابری، شهرداری، تاکسیرانان، کارگران ساختمانی، نانواپها و هزاران زن و مرد، پیر و جوان در یک راستا و همدل با هم از انسانی تجلیل کردند که سالیان سال علیه ارباب و بی حقوقی، علیه نابرابری و کار مزدی، علیه آپارتاید جنسی، علیه قومپرستی و تقسیم انسانها بر مبنای هویتها کاذب قومی و مذهبی مبارزه کرده بود. صلاح محمدی برای مردم سمبل اعتراض به جهل و خرافه، به فقر و بربریت حاکم، به نابرابری و آپارتاید جنسی بود. صلاح زبان حال و صدای اعتراض علیه

داشت. باید باز هم مهر خواستهای انسانی جوانان، زنان، کارگران، معلمان، و همه مردم را بر جنبش سرنگونی محکم کوبید. باید انتخاب کرد. و پرچم مطالبات خود را انتخاب کرد و آن را محکم نگاه داشت. باید برای به کرسی نشاندن آن لحظه ای درنگ نکرد. خواست ما آزادی و برابری، حق زن، رفاه و شادی همه مردم، حق کارگر، آزادی های بی قید و شرط عقیده و بیان، اجتماعات و احزاب و تشکل، و جمع شدن کامل دم و دستگاه حکومت اسلامی از سپاه و وزارت اطلاعات، تا بیت امام و بساط چپاول و شکنجه و زندان و فیضیه شان است. باید به گرد این پرچم متشکل شد. باید بر سینه رهبران قومی و ارتجاعی که جز ایجاد تفرقه و کینه و نفرت قومی و ملی بین مردم، و جز تباهی، برای مردم ایران نسخه "نجات بخشی" در آستین ندارند، دست رد زد. باید برای مرخص کردن نسخه ارتجاعی خلاصی از شر رژیم، متحد و یکپارچه بپا خواست و اعتراض کرد. حزب حکمتیت، با منشور سرنگونی اش که فرمان قیام شما علیه حکومت است، با گارد آزادی اش که نیروی مسلح خود شما برای دفاع از شما و مبارزه تان است در کنار شما برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برای آزادی و برابری مبارزه میکند. این حزب شما است و باید به آن پیوست. زنده باد آزادی و برابری مرگ بر جمهوری اسلامی حزب کمونیست کارگری - حکمتیت ۲۳ ژوئن ۲۰۰۶

همانطور که ما در شروع اعلام حضور علنی جنبش سرنگونی میگفتیم که این جنبش یک دست نخواهد ماند، دیدیم که یک دست نمائنده است. دو گرایش، دو آینده، دو جنبش در سیر سرنگونی جمهوری اسلامی در حال تکوین، تدارک و پیشروی است. یکی جنبش ارتجاعی راست، قومی و ملی تحت رهبری جریانات قومی و در حمایت مادی و معنوی هیئت حاکمه آمریکا و بر بستر تهدید نظامی و فشار و بده بستنهای دول غربی، و دیگری جنبش آزادی و برابری مردم که پرچم مطالبات انسانی خود، منشور سرنگونی رژیم، را در دست دارد. سیر سرنگونی رژیم در عین حال سیر جدایی این دو جنبش و تقابل آنها است. تمام تلاش جنبش ارتجاعی سوار شدن بر سیر اعتراضات مردم و پیش بردن امر خود که جز از هم پاشیدن شیرازه جامعه، عاقبتی ندارد. و تمام تلاش جنبش آزادیخواهی، جنبش آزادی و برابری، سرنگون کردن رژیم به نیروی اراده مردم و تحت پرچم مطالبات انسانی خود آنها، است. تنها این تلاش است که میتواند ضمن سرنگون کردن رژیم اسلامی ایران مانع سربازگیری آنها شود. تنها پیشروی جنبش آزادی و برابری، که بلوغ ۱۸ تیر و خواستهای آن است، میتواند سرنگونی رژیم را با آزادی و خوشبختی مردم ایران همراه کند. مردم آزادیخواه! باید سنت هیجده تیرها را زنده نگاه

چشمان رژیم میبرد، تبدیل شده است. مردم ایران از آن پس هر سال ۱۸ تیر با شعار آزادی زندانی سیاسی، آزادی بی قید و شرط عقیده و بیان، آزادی احزاب و تشکل، هر سال رو در روی رژیم قرار گرفتند و برای آزادی و برابری و برای مرخص کردن جمهوری اسلامی هر سال به شکل و در سطحی به میدان آمدند. هیجده تیر، روزی است که مردم ایران فرمان حمله علنی به جمهوری اسلامی، مسبب فقر و فلاکت و خفقان و بی حقوقی خود، را صادر کردند. روزی که فریادهای "توپ تانک بسیجی دیگر اثر ندارد" و "آزادی اندیشه باریش و پشم نمیشه" از زبان جوانان، دانشجویان و همه مردمی که از توحش اسلامی به ستوه آمده بودند، رژیم اسلامی را لرزاند. در این روز هر سال مردم جاتیان حاکم در ایران را به مصاف طلبیده اند. این سنت را باید حفظ کرد و گسترش داد. امروز هفت سال بعد از آن هیجده تیر، رویارویی و تقابل مردم با رژیم، و جنبش سرنگونی در موقعیت دیگری قرار گرفته است. سنت هیجده تیر به جنبش اعلام علنی آزادی و برابری، به هشت مارسها، اول مه ها، جشن آرمک برفی ها، مبارزه دانشجویان برای پاک کردن دانشگاهها از نیروهای نظامی، و مبارزه کارگران شرکت واحد تعمیر و گسترش یافته است. این یک روی واقعیت است. روی دیگر آن صف بندی هایی در دل جنبش سرنگونی است که آینده سیاهی برای مردم ایران را تدارک دیده اند.

شش روز که رژیم اسلامی را لرزاند، هفته ای که جنبش سرنگونی قدام کرد

از ۱۸ تیر سال ۱۳۷۸ هفت سال میگذرد. سالی که دانشجویان در حمایت مردم تمام دم و دستگاه حکمیت از هر دو جناح را مورد حمله قرار دادند و رویارویی رژیم اسلامی ایستادند. ما آن را شش روزی که رژیم اسلامی را لرزاند، نام بردیم. شش روزی که جنبش سرنگونی قائم به ذات چوب دستی ها را کنار گذاشت و قد علم کرد. تابستان ۷۸، اعلام موجودیت مستقل و علنی یک جنبش مردمی برای سرنگونی جمهوری اسلامی ایران بود. ۱۸ تیر مقطعی است که همانطور که ما میگفتیم، برخلاف تصورات و تبلیغات رسانه های توخردادی و طرفدار خاتمی، مردم نشان دادند که جمهوری اسلامی را نمی خواهند و خواست آنها نه تعدیل رژیم که سرنگونی آن است. روزی که مردم ایران علنا به رژیم اسلامی اعلام جنگ دادند. مقطعی که هر دو جناح در مقابله با حرکت سرنگونی طلبانه دانشجویان، اختلافات را کنار گذاشتند و متحد در حمله به مردم در کنار هم ایستادند. از سال ۷۸ تا به امروز، ۱۸ تیر هر سال به روز اتحاد و اعتراض، و روز حمله گسترده به جمهوری اسلامی تبدیل شده است. این روز به روز اعلان جنگ علنی به رژیم، روز رویارویی علنی مردم با تمام دم و دستگاه حکمیت، و روزی که خواب خوش از

ادامه مصاحبه

چهرگانی های ترک و بلوچ و عرب و غیره یعنی کل مهره های سناریوی سیاه و پاکسازیهای قومی در ایران پرداخته و از آنان بعنوان اهرم فشاری علیه جمهوری اسلامی استفاده میکند. حمله نظامی احتمالی دولت آمریکا به مردم و جامعه ایران نیز مزیدی است بر توجه بیشتر دولت آمریکا به این نیروها و این جریانات تا اینها دولت آمریکا را در تحمیل این فاجعه به مردم و جامعه ایران کمک کنند. سران اینها به واشنگتن رفتند تا آمالگی خود برای این کار و خدمت در رکاب دولت آمریکا به نمایندگان و ماموران این دولت اعلام کنند. همه این جست و خیزها برای رساندن این پیام است. "خوش بینی" عبدالله مهدی نیز از بازگشت از واشنگتن آنچنانکه در مصاحبه خود اعلام کرده است از این است که ماموران دولت آمریکا این پیام را احتمالاً گرفته باشند. پرچم مشروعیت دادن به شرکت اینها در این سناریوی سیاه و فاجعه ای که با حمله احتمالی نظامی دولت آمریکا میتواند به مردم و جامعه ایران تحمیل شود فدرالیسم قومی است که تقریباً به پرچم کل اپوزیسیون راست و روشنفکران طرفدار آنان در این قطب بندی سیاسی، در ایران تبدیل شده است.

اکتبر:

شما بطور مختصر به هدف دولت آمریکا و اهداف ارتجاعی این جریانات بعنوان پیاده نظام منافع دولت آمریکا در منطقه اشاره کردید. ضرر و زیان این جست و خیزها برای "جنبش سرنگونی" در ایران و در کردستان ایران چیست؟ جریانات آزادیخواه، مترقی و کمونیست و از جمله حزب حکمتیست و مردم در ایران و در کردستان ایران در مقابل چکار باید بکنند؟

حسین مرادیگی:

اینها برعکس جریان نوم خرداد سرنگونی طلبند، این ویژگی است

که این جریانات و جنبش قومی آنها را از جریان نوم خرداد جدا میکند. اینها سرنگونی طلبند اما فاقد امکان سرنگونی جمهوری اسلامی اند. نقشی که این ها ایفاء میکنند نه کمک به سرنگونی جمهوری اسلامی که تنها در خدمت عراقیزه کردن ایران و فروبردن جامعه ایران در باتلاق سناریوی سیاه و برپائی گورستانهای قومی است. عربده کشی قومی اینها مردم منجر و آماده برای سرنگونی جمهوری اسلامی را میترساند و در نتیجه آنان را در سرنگونی جمهوری اسلامی محتاط تر میکند. این یکی از ضررهایست که فدرالیستها و جریانات قومی و سناریوی سیاهی به جنبش سرنگونی میزنند. مردم حق دارند از خود بپرسند که مرزهای قومی مورد ادعای احزاب و جریانات قومی و فدرالیست فردا قرار است از کجا بگذرد؟ از وسط شهر ارومیه و شهر نقه آنطور که فاشیستهای قومی کرد و ترک ادعای آن را دارند؟ از وسط شهر تهران آنطور که روشنفکران قومی ترک از "نیمه فارسی تهران" صحبت میکنند؟ واقعا از کجا قرار است بگذرد؟ اینها مردم را میترساند. مردم را از صحنه مبارزه علیه جمهوری اسلامی دور میکنند. این جریانات برای جان مردم پیشیزی ارزش قائل نیستند. بر سر این مردم چه خواهد آمد مساله اینها نیست، کل این پروژه در اصل علیه زندگی و آینده این مردم و بچه های این مردم است.

دست بالا پیدا کردن اینها در فضای سیاسی ایران دست جمهوری اسلامی را همانطور که این روزها شاهدیم در سرکوب مردم بازتر میکند. جریانات قومی و جمهوری اسلامی در واقع در مقابل جنبش سرنگونی و در تضعیف آن، سر و ته یک کرباسند. این دو همدیگر را علیه جنبش سرنگونی تقویت میکنند. فدرالیستی ها با تحریک عرق قومی آنها میخواند به نام ترک و کرد و عرب و بلوچ و غیره مردم منتفر از جمهوری اسلامی را به جان هم بیاندازند. جمهوری اسلامی نیز از این وضعیت در جهت

تضعیف صف جنبش سرنگونی، بهره برداری میکند. راه موثر عقب راندن و به حاشیه راندن احزاب و جریانات قومی و فدرالیستی ها سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی است. راهش این است که مردم متحد شوند، گارد آزادی را تشکیل دهند. مردم نه به انتخاب اینها و نه تن دادن به جهنم جمهوری اسلامی مجبور نیستند. انتخاب دیگر هست، باید انتخاب کنند. راهش این است که حزب حکمتیست را انتخاب کنند که امرش سرنگونی انقلابی جمهوری اسلامی و گرفتن قدرت سیاسی است، که بر پرچم آزادی و برابری، نه هویت قومی نه هویت مذهبی، هویت انسانی و بازگرداندن اختیار انسان به انسان نقش بسته است. راهش این است که با هم، هم جمهوری اسلامی را سرنگون کنیم و هم زندگی و امنیت خود را در مقابل نیروهای سناریوی سیاهی و بقایای تروریسم اسلامی و غیره، تضمین کنیم. اینها میخواهند مردم را از دخالت در صحنه سیاسی دور کنند، باید با اتحاد خود تلاش آنها را نقش بر آب کرد.

یک نکته هم در مورد کردستان ایران، حزب دمکرات و سازمان زحمتکشان از آستانبوسی دولت آمریکا رویای رهبران احزاب ناسیونالیست کرد در کردستان عراق را در سر می پروراندند. اینها به هدف حاکم شدن و میلیون شدن زیر سیاست دولت آمریکا به قیمت دریایی از خون و عرق و بیچارگی مردم، دخیل بسته اند. اما این تلاشهای ارتجاعی بیهوده است. اینها سخت در اشتباهند. مردم عراق را می بینند، محصول سیاست و منافع آمریکا در عراق را می بینند، زیر بار سیاست اینها نمیروند، اجازه نمیدهند که شرایطی مانند عراق را به این مردم و این جامعه تحمیل کنند. بعلاوه کردستان ایران کردستان عراق نیست. کمونیسم در کردستان ایران یک قدرت واقعی است. این جنبش با رهبران آن همانطور که در گذشته اجازه ندادند که ناسیونالیسم کرد و احزاب و گروههای مربوطه

سرنوشت این جامعه را رقم بزنند این بار نیز اجازه نخواهند داد که کردستان ایران به جولانگاه نیروهای فاشیست قومی تبدیل شود. مردم نه در کردستان ایران و نه در هیچ جای دیگر ایران اینجور نیست که یک دست باشند و چون به زبانهای مختلف صحبت میکنند، یک منافع مشترک داشته باشند. همانطور که کارگر کوره پز خانه با کارفرمای سرمایه دار و حزب دمکراتی منافع مشترکی نداشت و ندارد، همانطور که کارگر کارخانه شاهو و نساجی و هر مرکز کاری دیگری نیز منافع مشترکی با کارفر و سرمایه داری که با هم یه یک زبان صحبت میکنند ندارد، کارگر کارخانه دورمان دیزل و هر مرکز کار دیگری در تبریز و و دیگر شهرهای ایران نیز منافع مشترکی با سرمایه دار و کارفرمای هم زبان خود ندارد. منافع طبقاتی جداگانه اینها را نمیتوان به نام زبان مشترک با هم آشتی داد و یا در هم ادغام کرد. این جامعه طبقه کارگر و دیگر مردم زحمتکش و صف رادیکال و زن برابری طلب و جوان سکولار خود را دارد. اینها در مقابل احزاب و نیروهای قوم پرست و راست جامعه وارد میدان خواهند شد. ما و این صف رادیکال جلو ارتجاع قومی و سناریوی سیاهی را در پروسه سرنگونی جمهوری اسلامی خواهیم گرفت. برای این کار این صف قبل از هر چیز باید متحد شود، باید خود را سازمان دهد، باید به حزب حکمتیست به پیوندند و گارد آزادی را تشکیل دهد. در اینصورت ما و طبقه کارگر و دیگر صف رادیکال این جامعه و گارد آزادی، زندگی و آزادی و امنیت خود را در مقابل احزاب و نیروهای قومی و اوباش اسلامی و هر گانگستر سیاسی و نظامی ای در جریان سرنگونی جمهوری اسلامی تضمین خواهیم کرد.

اکتبر با تشکر از شما

ادمه انتقاد بجا

ایوب زاده از سران سازمان زحمتکشان می پرسد، کجای این شعارها قابل پشتیبانی اند:

"فارس دیلی، ایت دیلی (زبان فارسی، زبان سگان)"

اونلار کی بی طرف دی فارس دا بی شهرف دی (انها که بی طرفند از فارسیها بی شرفترند)

تورک تورکی فارسا ساتماز (ترک ترک را به فارس نمیفرشد)

اند اولاستارخان، تهران گرگ اول دانا (سوگند به ستارخان که تهران باید در آتش بسوزد)

آذربایجان اویقادی، کوردلر بیزه قوناخدی (آذربایجان بیدار است، کردها میهمان ما هستند)

تبریز، باکی آنکارا فارسلا ر هارا بیز هارا (تبریز، باکو، آنکارا! فارسیها کجا ما کجا!)

و سوال میکنند اگر اینها شعار جماعتی است که به تاریخ کشتار ارمنی ها و ژنوساید کردها تکیه دارند، آیا پیام پشتیبانی سازمان زحمتکشان در واقع اعلام همبستگی با جریانی نیست که خواب تکرار آن کشتارها و ژنوسایدها را برای مردم غیر ترک زبان و از جمله آنها "کرد" ها نیز دیده اند؟ شعارهای

فوق الذکر بوی خون و کشتار میدهند.

اما انتظارات و توقعات ایوب زاده از سازمان زحمتکشان، پر از ابهام و توهم است. او بر این باور است که گویا سازمان زحمتکشان، تشکیلات "بازسازی" شده کومه له است. یا لاقلاً از منظر جنبش کردیایه تی علاقمند است نشان بدهد که سازمان زحمتکشان همانی است که سران آن مدعی اش هستند. به همین خاطر تاریخ برای سازمان زحمتکشان میسازد و آن را با تشکیلاتی که همراه با اتحاد مبارزان کمونیست، حزب کمونیست ایران را تشکیل داد، عامدانه یکسان می بیند. در حالی که واقعیت مساله که ایوب زاده نمیخواهد به آن بپردازد، چیز دیگری است. و چرا چنین است نیز روشن است. ایوب زاده میخواهد یک قیاس برقرار کند و بگوید همانطور که جنبش کردیایه تی جایی برای نزدیکی به جریانات ضد "ملی" و "قارداش" های بانیان ژنوساید نیست، در همان حال کمونیسم و آزادیخواهی و برابری طلبی نیز در آن ممنوع است. در کردستان همه، سرمایه دار و کارگر، زحمتکش و استثمارگر و رباخوار، زن و مردان ضد زن، همگی "کرد" اند، و باز جملگی در برابر کارگر و سرمایه دار و زن و مرد غیر کردها دارای منافع هویتی قوی تری هستند. همین موضع حل کردن هویت انسانی و طبقاتی انسانها در هویتهای وارونه و جعلی قومی و

ملی است که ایوب زاده را در ابهام و سردرگمی باقی میگذارد و باعث میشود که نتواند از مشاهدات درست پیام کاری های سازمان زحمتکشان به حرکت پان ترکیستها، به نتایج عمیق تری برسد. در هر حال مهمترین دلیل این نان به قرض دادن این است که سازمان زحمتکشان هرچه باشد، یک سازمان "کردی" است! اگر نه جای هیچ تعجبی نیست که سازمان زحمتکشان که خود همراه با سران پان ترکیستها و بانیان ژنوساید به تشویق و پول موسسه امریکن اینرپرایز، برای جنگ و پاکسازیهای قومی در ایران، کاندا توری خود را اعلام کرده اند، به متحدین استراتژیک خود پیام "برادرانه" ارسال کند. ایوب زاده میبایست تشخیص میداد که سازمان زحمتکشان همتا و از جنس همان جریانات پان ترکیستی است که "فارسی" را زبان سگ و فارسیها را سگ میداند. می بایست متوجه میشد که سوگند "به آتش کشیدن تهران" چندین میلیون، سناریونی بوده است که قبلاً با سرهم بندی کردن سازمانهای مثل سازمان زحمتکشان توسط سیا و ناتو و پنتاگون، در یوگوسلاوی گورهای دسته جمعی درست کردند. ایوب زاده به دلیل خودی و کردی دانستن سازمان زحمتکشان، نمیخواهد اذعان کند که سازمان زحمتکشان از همان بدو سرهم بندی شدنش با شعار: مردم ده روز اول هر سال را "فقط کردی"

حرف بزنید پیوستن به فاشیسم کردی را جشن گرفته بود.

در هر حال جایگاه حرکت تبریز و شعارهایی که بوی خون و جنایت و پاکسازی و نفرت و انتقامجویی را میداد، حتی از منظر یک ناسیونالیست کرد پنهان نماند. پیام سازمان زحمتکشان به بانیان این شعارهای ضد انسانی، باید نشان داده باشد که ارزش مصرف این دارو دسته در خدمت اجرای کدامین سناریو و نقشه و توطئه بر علیه مردم ایران و مردم کردستان است. باید نشان داده باشد که مبارزه با جهالت و تعصبات کور قومی، شرط مهمی در دفاع از منافع توده های مردم ستم دیده است. باید نشان داده باشد که سازمان زحمتکشان کوچکترین ربطی به مبارزه مردم کردستان علیه ستم و سرکوب ندارد. این باند را باید بیشتر افشا کرد و به مردم شناساند.

در این میان، اما، موضع جریانات باصطلاح "چپ" که حقیقت جوئی شان از سطح شعور یک ناسیونالیست به مراتب تازل تر و ارزان تر بود و قادر نشدند بوی جنایت و انتقامجویی کور قومی را در حرکت "توده ای" تبریز ببینند، واقعاً رقت انگیز بود. به نظر میرسد فقط همین واقعه و این مواضع برای خط قرمز کشیدن بر هر شائبه چپ و انقلابی این جریانات کافی باشد.

۲۶ ژوئن ۲۰۰۶

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست

Worker-communist Party of Iran -
Hekmatist

محکوم کردن تهدید و ارباب و چماق چرخانی صاحب کار، این پیروزی را به کارگران کارخانه پرریس تبریک می گوید.

کمیته سنج حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست
۳/۴/۱۳۸۵

در مقابل تهدیدات و خط و نشان کشیدن امیر اسفندیاری، کارفرما را ناچار به پذیرش مطالبات کارگران کرد. بدینصورت و تا اینجا کارگران با اتحاد بالای خود و با تشکیل مجمع عمومی و دخالت دادن همه کارگران و تصمیم جمعی خود، در این مرکز پیروز شدند. کمیته سنج حزب حکمتیست ضمن

تهدید و بلاخره برخورد فیزیکی وی را تهدید به مرگ میکند. کارگران در مقابل تهدید و ارباب اسفندیاری به دفاع از سهرابی نماینده خودشان میپردازند، و این جناب را اسفندیاری را سر جای خود میگذارند.

ادامه اعتصاب و اتحاد بالای کارگران و مقاومت یکپارچه آنان

تماس با ما:

دستیار سر دبیر: اسماعیل ویسی
iranps.waisi @pp.inet.fi
Tel:358- 050 35 73 564

دبیر کمیته کردستان . سردبیر نشریه
h_moradbiegi@yahoo.com
Tel:0046762737560